



سر سخن

گزارش فعالیت‌های سه‌ماهه‌ی پایگاه

دروود بر شما دوستداران «ایران و یادمان‌های گران‌قدرش»!

به روال هم‌ه‌می کسانی که در کاری هم‌اندیشانی دارند، گزارشی از کوشش‌های پایگاه در سه‌ماهه‌ی نخست سال ۱۳۸۵ را - البته با قدری تفصیل، چون نخستین گزارش از این دست است - خدمت شما سروران ارایه می‌دهیم:

۱- در این مدت نشست‌های هفتگی هم‌وندان پایگاه - برای پیشبرد کارها - برقرار بود. در این نشست‌ها بسته به نوع نشست و کار پیش رو از ۴ تا ۱۲ هم‌وند حضور داشتند. گفتنی است این نشست‌ها که در سه ماهه‌ی آغازین خود «دو بار در هفته» تشکیل می‌شده - تقریباً بدون گسست - از شهریورماه سال گذشته در جریان بوده است. مکان برگزاری این نشست‌ها نیز در جاهای گوناگونی چون خانه‌ی تشکلهای غیردولتی استان تهران، بنیاد جمشید، دفتر انجمن افزاز و دفتر یکی از دوستان، در دگرگونی بوده است. و باز شایسته‌ی اشاره است که در این ۹ ماهه نزدیک به ۳۰ نفر با پایگاه همکاری داشته‌اند.

۲- تارنمای سیوند - که البته به کندی برپا است - در این سه ماه هم کماکان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پایگاه بوده است در حالی که ما هم بر این باوریم که نباید این‌گونه باشد و این‌همه از ما وقت و توان ببرد. گفتنی است این تارنما که قرار بود بر دست یکی از هم‌وندان پایگاه در آبان‌ماه سال گذشته راه بیفتد با از دست دادن زمان مفید قابل‌توجهی و تا حدودی فروکش کردن شور و حرارت اولیه‌ی مخالفت با ساخت سد سیوند، برای مدتی صفحه‌ی آن بالا رفت (که البته کاری حرفه‌ای و در خور توجه بود) ولی باز به خاطر مشکلاتی در روزآمدسازی، دچار وقفه شد تا این‌بار بر دست یکی دیگر از هم‌وندان پایگاه - در شکلی ساده ولی کاربردی - در اسفندماه کارش را پی گرفت. این‌بار نیز مشکلات عدیده‌ای بر سر راهمان قرار گرفت که مهم‌ترین آن خرابی گاه به گاه بخش گردآوری امضا بود. به هر روی در درسرها را با پشتکار و بردباری از سر گذراندیم تا امروز که باز در روزآمدسازی آن مشکل داریم. در این مدت بخش‌هایی به تارنما افزوده شد و بر این باوریم که با تلاش یاران در این بخش پیشرفت‌هایی داشتیم، مطالب خوبی گرد آمد و با قرارگیری خبرهایی از انجمن‌های همراه پایگاه - اگر می‌توانستیم - می‌شد که این تارنما رسانه‌ای ملی، ویژه‌ی هدف بزرگی که برای خود تعریف کرده است باشد. به هر روی تلاش‌های ما ادامه دارد.

۳- نزدیک به هشتصد امضا جمع شد که با توجه به خرابی‌های تارنما عدد بدی نیست. البته ما تقریباً برابرهمین تعداد امضا را حذف کردیم چرا که هدف ما ارتباط با این افراد برای انجام امور بود نه گردآوری تشریفاتی امضاها و بالا بردن کمیت. نام‌های نادرست، ساختگی و حروف مختصر را - البته با فرستادن رایانامه‌ای (ای‌میلی) به امضاکننده و اعلام این‌که آن را تصحیح کند - پاک می‌کردیم، هم‌چنین آنهایی را که نشانی رایانامه‌شان درست نبود. به گمان ما درست نوشتن نام و رایانامه، حداقل شجاعتی است که می‌توانیم برای چنین خواست بزرگی - پاسداری از یادگارهای نیاکان - انجام دهیم.

۴- روند آگاه‌سازی مردمان - به‌ویژه دانش‌جویان - نسبت به پرونده‌ی ملی سیوند را دنبال کردیم. دعوت‌نامه‌ی «به جنبش ملی نجات یادمان‌های باستانی ببینید» را در جاهای بسیاری - از جمله در نمایشگاه کتاب و مطبوعات - پخش کردیم و با انجمن‌های چندی برای برگزاری همایش رایزنی کردیم؛ انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر (که به خاطر انتخابات

شورای مرکزی‌شان نتوانستیم به نتیجه برسیم ولی امید می‌رود که در پاییز امسال بتوانیم همایشی در آن دانشگاه برگزار کنیم)، گروهی از دانشجویان دانشگاه زهرا، کانون نخبگان نواندیش که از انجمن‌های پرکار شرق تهران است و... که همان‌طور که آگاهید تنها توانستیم با یاری کانون ایران‌شناسی و گردش‌گری دانشگاه علم و صنعت ایران، همایشی در آن دانشگاه برپا کنیم. برای ساخت فیلمی درباره‌ی سد سیوند و پیامدهای آن هم رایزنی‌ها و اقداماتی داشتیم که امیدواریم به‌زودی نتیجه‌اش را بگیریم. انجمن‌های دیگری را هم به پیوستن به پایگاه ترغیب کردیم که خبرهای آن بر روی تارنما قرار گرفت.

۵- از یازدهم تا چهاردهم خردادماه - بدون اعلام قبلی - سفری به مرودشت برای بازدید تنگه‌ی بلاغی و سد سیوند داشتیم که گزارش آن جداگانه خواهد آمد. تنها اشاره به این موضوع می‌ماند که هنوز تا پایان ساخت سد - با وجود سرعت بسیار در کار - راهی دراز داریم. در این‌جا نکته‌ای نهفته است و آن خبرهایی پیاپی از وزارت نیرو است که زمان آبیگری را اعلام می‌کند و هر بار پس از رسیدن به زمان موعود، باز لطف آن وزارت‌خانه و عقب افتادن زمان آبیگری. این داستان از آذرماه سال پیش تا همین الان که گفته‌اند آبیگری در شهریور است ادامه دارد؛ قرار بود دوازدهم به‌من ماه آبیگری می‌شود، بعد افتاد اسفندماه، بعد یازدهم خرداد... و هر بار هم در ظاهر به خاطر درخواست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این آبیگری به عقب می‌افتد. در حالی‌که اگر نظر غیرکارشناسی ما و نظر کارشناسی دوستان مهندس‌مان را که سال گذشته از سد بازدید کردند و گفتند دست‌کم یک‌سال از ساخت سد باقی مانده، به کناری نهمیم در گفتگو با تنی چند از کارشناسان به این یقین رسیدیم که زمان آبیگری سد با توجه به سیلاب‌ها در آذرماه است، پس این اعلام‌های وزارت نیرو در تعیین زمان آبیگری را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

متأسفانه جز از بین بردن حساسیت‌ها آن‌هم به یاری «عدم صداقت»، نام دیگری نمی‌توان بر این کار نهاد. با این کار لابد این انتظار می‌رود که هنگام آبیگری، مخالفت‌ها به کم‌ترین حد خود برسد. کما این‌که به گفته‌ی فرد پاریک‌بینی؛ با خواندن جمله‌ی «همش تقصیر سازمان میراث فرهنگی است» در گوش کشاورزانی که منتظر این آب و احتمالاً رفع برخی مشکلات دیگر هستند، آنها را هم نسبت به گرمای داشت آثار باستانی - که همیشه نگاهبان‌شان بودند - دل‌سرد می‌کنند. به هر روی این برخورد ناصادقانه‌ی وزارت نیرو در کنار عجله‌ای که برای اتمام ساخت سد از خود نشان می‌دهد در حالی‌که هنوز به دل‌نگرانی‌های دوستداران یادمان‌های باستانی پاسخی در خور داده نشده است، نومیدکننده است.

۶- نامه‌ای را که به رییس‌جمهور داده بودیم پی‌گیری کردیم. گویا پاسخی در کار نبوده، در حالی‌که در روزهای پایانی سال پیش از دفتر رسیدگی به نامه‌های مردمی ریاست‌جمهوری به ما گفته بودند که می‌توانیم پاسخ ایشان را از مرکز رسیدگی به شکایات مردمی - در خیابان پاستور - بگیریم. در آنجا پس از کلی معطلی - که عادی است - گفتند یک‌بار دیگر نامه را به ما بدهید تا در سفری به ایشان بدهیم. گویا نامه را گم کرده بودند؛ نامه‌ای را که به دست ایشان رسانده بودیم و احتمالاً ایشان حاشیه‌ای نوشته بودند. نمی‌دانیم عمدی در کار بوده یا نه، به هر روی خواهیم رفت به سوی «شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی». فراموش نشود یاری گرفتن از نهادهای معتبر جهانی، گزینه‌های آخر هستند.

۷- برای کامل شدن گزارش، نگاهی هم به وضعیت امور مالی پایگاه می‌اندازیم. پایگاه در این ۹ ماه فعالیت خود تنها برای مواقعی که زمینه‌ی خرج کرد مشخص و آماده بود، اقدام به گردآوری پول از هم‌وندانش کرد. ۱۴ نفر از هم‌وندان که برخی برای مدتی با پایگاه همکاری داشتند و برخی هم‌چنان به همکاری خود ادامه می‌دهند از ۱۰ هزار تومان تا ۳۰ هزار تومان به آن کمک کرده‌اند که این مبالغ خرج خرید بانک اطلاعات (برای تارنما)، بخشی از هزینه‌های برگزاری همایش‌ها - به‌ویژه سه شماره نشریه‌ای که به چاپ رساندیم - (بخش بزرگی از هزینه‌ی همایش‌ها را خود دانشگاه یا انجمن برگزارکننده بر عهده می‌گرفته

است) و هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ی این سفر آخر، شده است. شاید برای حرفه‌ای‌تر کردن کوشش‌ها در آینده خواستار یاری‌های پولی شما هم بشویم!

و اما دیگر برنامه‌های پیش رو.

پانزدهم خرداد، سد آبگیری نشد. دو روز پیش از آن، ما با حضورمان در پاسارگاد و تنگه‌ی بلاغی، اعلام کردیم که بی‌گیر موضوع هستیم ولی از تمام توانمان - یعنی همراهی شما - بهره نبردیم تا برای روز موعود شما را در کنارمان داشته باشیم. احتمال دارد آذرماه آبگیری آن آغاز شود. اگر این زمان قطعی شد تلاش می‌کنیم تا در دومین پنج‌شنبه و جمعه‌ی آبان‌ماه - چون سال گذشته - در پاسارگاد گرد هم بیاییم، این‌بار پرشمارتر.

تابستان زمان خوبی است برای بالا بردن آگاهی گروه و هم‌اندیشان، هرچند برپایی یک همایش، برگزاری یک هفته در میان نشست‌ها و یک‌سره کردن کار تارنما (!) را در دستور کار خواهیم داشت. شما هم آگاهی دادن به دیگران را فراموش نکنید، و فرستادن نظرهایتان را برای ما.

ارادتمند علیرضا افشاری

دبیر پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی

خبرهای پایگاه

پاسخی به یک نیاز

گزارشی از سفر هموندان پایگاه به تنگه‌ی بلاغی

آبان‌ماه سال گذشته که در پاسارگاد گرد هم آمده بودیم، نشد و نگذاشتند که بازدید از تنگه‌ی بلاغی و سد سیوند داشته باشیم، از این رو و برای این که دست‌اندرکاران «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی (دشت پاسارگاد)» این دو مکان مورد مناقشه را دیده باشند، رهسپار شیراز شدیم.

عصر پنج‌شنبه یازدهم خردادماه از میدان ونک راه افتادیم. صبح آدینه به تخت جمشید رسیدیم و این یادگار شکوهمند تاریخ ایران را بار دیگر دیدیم. برای اقامت شبانه درون چادر، پیرامون محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید نامه‌ای را که از آقای طاهای هاشمی، معاونت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری داشتیم ارائه دادیم. آقای مهماندوست، رییس حراست محوطه اظهار امیدواری کرد که مانعی وجود ندارد ولی ساعتی بعد دوباره نردمان آمد و گفت که چون خطاب نامه به آقای طالبیان، رییس بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد که مدیر محوطه هم هستند، است باید موافقت ایشان را که در همایش «تعیین حریم منظر آثار باستانی» هستند بگیریم. به مهمانسرای تخت‌جمشید که همایش با حضور نمایندگان از چند کشور آسیایی و یونسکو در آنجا برگزار می‌شد رفتیم. در این هنگام مهماندوست به ما خبر داد که دادستانی استان به خاطر برگزاری این همایش که جنبه‌ی جهانی دارد موافقت نکرده است که ما در آنجا ساکن باشیم در حالی که در محل برگزاری همایش متوجه شدیم که آن همایش همان‌روز پایان می‌یابد و مهمان‌ها راهی دیارشان می‌شوند!

دکتر طالبیان هم به خاطر این که مشغول به اجرای همایش بود از رسیدن به وضعیت ما عذر خواست و ما را به معاونش، آقای کاظمی معرفی کرد. او هم پس از مدتی به همراه آقای مهماندوست نزد ما آمد و همان بهانه را تکرار کرد.

پس از دیدن نقش رجب و نقش رستم، ضمن گرفتن نظر مساعد نگهبان‌های نقش رستم در پارکینگ آنجا که چند خودرو دیگر هم مستقر بوده و چادر زده بودند، چادرهای مان را برپا کردیم. مشغول آماده کردن شام بودیم که ریاست نیروی انتظامی مرودشت، سرهنگ ارشادی به دیدارمان آمد و با بهانه‌های گوناگونی چون «چادرهایتان نزدیک به هم است»، «نامه‌ی شما برای اقامت در تخت‌جمشید است»، «باد چادرهایتان را خواهد برد»، «این‌جا امنیت ندارد»... در حالی که مسئولیت آن استقرار را خودمان پذیرفته بودیم، بدون این که به ما فرصت خوردن شام را بدهد با اصرار خواهان جمع کردن چادر و رفتن مان به سوی شیراز شد. به سوی تخت‌جمشید بازگشتیم و قصد کردیم در پارکینگ آنجا که باز هم کسانی چادرهایی بر پا کرده بودند، مستقر شویم. مأموران خودرو گشت ما را از اقامت در آنجا بر حذر داشته و گفتند که: «جناب سرهنگ، مایل نیستند شما در مرودشت - یعنی حوزه‌ی ایشان - بمانید».

همان خودرو، اتوبوس ما را همراهی کرد تا از محدوده‌ی مرودشت بیرون آمدیم!

شب را در امام‌زاده‌ی «شاهزاده قاسم» به سر آوردیم و صبح زود طبق قراری که با گروه باستان‌شناسی داشتیم رهسپار دو راهی پاسارگاد - تنگه‌ی بلاغی شدیم. آقای عرب از باستان‌شناسان همکار با گروه فرانسوی، ما را به محل کاوش هیأت ایرانی - فرانسوی

راهنمایی کرد. پیش از رسیدن به جایی که پی کاخ داریوش در آن به دست آمده بود راه (کانال) دختر بر را دیدیم. در جای خوش آب و هوایی که روزگاری شکارگاه داریوش بزرگ بود و در آن کوشک یا کاخی کوچک بنا کرده بود، سخنان ارزشمند آقای محمدتقی عطایی را شنیدیم. گفته‌های او را به طور کامل به زودی بر روی تارنما خواهیم گذاشت.

با مینی‌بوس باستان‌شناسان از دیگر جاهای باستانی کشف‌شده هم بازدید کردیم، از جمله کوره‌های هفت‌هزار ساله که بازدید آن، با آشنایی و شنیدن سخنان آقای فرهاد زارع، نخستین فردی که منطقه‌ی تنگه را بازدید علمی کرد همراه بود. گفته‌های زارع را که خود نیز مرودشتی است بر روی تارنما می‌گذاریم.

بازدید از سد سیوند آخرین بخش از هدف‌های سفر بود که به آن رسیدیم. نگهبان سد با برخوردی خوب ما را به جایگاه بازدید مهمانان راهنمایی کرد و ما از آنجا کل محوطه‌ی سد را دیدیم. سدی که به نظر برای به پایان رسیدن، زمانی طولانی را در پیش دارد هر چند کار به سرعت و گسترده بر روی آن جریان داشت و در مسیر خاکی هم خودروهای بزرگ باری بسیاری در رفت‌وآمد بودند. قصد بازگشت داشتیم که نیروی انتظامی جلوی ما را گرفت و سرپرست آن نیرو - گویا آقای قربانی - به پرسیدن پرسش‌های شگفتی‌آوری از ما چون این نمونه‌ها پرداخت:

برای چه آمدید؟ چرا می‌خواهید بازدید کنید؟ از که دستور می‌گیرید؟ از کجا به شما خط می‌دهند؟ قصد و هدفتان چه بوده؟ شما که هستید؟ ...

و به این ترتیب برخورد نگهبان که می‌رفت خاطره‌ای خوب بر جا گذارد جای خود را به برخوردی نامناسب - چون برخورد دو گروه دشمن - توسط نیروی انتظامی داد.

پس از بازگشت پاسارگاد را - در حالی که در بدو ورود نیز ما را در انتظار نگه داشتند تا مسوولشان اجازه‌ی بازدید را دهد (!) - باری دیگر دیدیم. آقای فوق، مسوول حراست آن محوطه در تمام طی بازدید در کنار ما بود! نمی‌دانیم آیا با دزدان آثار باستانی نیز چنین برخورد می‌کنند که با دوستداران آن آثار چنین می‌کنند؟!

آخرین مرحله از سفر، خوانش سرود «ای ایران» در کنار آرامگاه بنیادگذار کشور ایران بود و پیمان بستنی دوباره. به خاطر مشکلات پیش‌آمده برخلاف قراری که برای سه‌روزه بودن سفر داشتیم، راهی تهران شدیم. صبح یکشنبه چهاردهم خردادماه در تهران بودیم.

فیلم بیستون به یونسکو رفت

به منظور ثبت در فهرست آثار جهانی

فیلم بیستون به یونسکو رفت (بر گرفته از روزنامه همشهری شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۵) گروه شهری - آرشیو نهادی: فیلم مستند یک دقیقه ای بیستون در آستانه بررسی ثبت جهانی این اثر باستانی به مقر یونسکو فرستاده شد.

ارسال این فیلم، در پاسخ به درخواست یونسکو انجام گرفت. پیش از این یونسکو در نامه ای تهیه یک دقیقه فیلم از کتیبه و مجموعه تاریخی بیستون و ارائه آن به رسانه های جهانی را خواستار شده بود. براساس برنامه یونسکو ساخت یک دقیقه فیلم از آثار تاریخی مورد نظر این سازمان جهانی مرسوم است و تمام کشورهایی که پرونده ای برای ثبت اثر تاریخی به این نهاد ارسال داشته اند، باید چنین فیلم هایی را تهیه کنند و در اختیار یونسکو قرار دهند. اما مسئله ثبت جهانی بنای تاریخی بیستون در کرمانشاه به عنوان اثر فرهنگی واجد شرایط از ایران در سی امین نشست کمیته میراث جهانی در ویلنیوس، پایتخت لیتوانی به بحث و بررسی گذاشته خواهد شد. اجلاس کمیته میراث جهانی با شرکت ۲۱ نماینده از سراسر جهان از ۸ تا ۱۶ اوت ۲۰۰۶ (۱۷ تا ۲۵ مرداد ۸۵) در لیتوانی برگزار می شود. کمیته میراث جهانی متشکل از نمایندگان ۲۱ کشور است که در حوزه حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان فعالیت می کنند. اعضای کمیته میراث جهانی توسط مجمع عمومی دولت های عضو انتخاب می شوند.

تارنمای سیوند به روز شد

تارنمای سیوند که در بر گیرنده آخرین اخبار در حوزه میراث

فرهنگی ایران زمین است به روز شد.

برای مشاهده به نشانی:

www.Sivand.com